

نقش ادبیات در جامعه انسانی

{پژوهش - زیمیرو اسکاری}

(بخش چهارم)

نثر پارسی



نثر، در لغت به معنای پراکندن و افشاندن است و در اصطلاح ادب به معنی سخنی می‌باشد که مقید به وزن و قافیه نبوده و نویسنده به وسیله آن مکنونات ذهنی خود را به خواننده منتقل می‌نماید. معنی لغوی نثر: "پراکنده، سخن پاشیده و غیرمنظوم" است. در اصطلاح ادب نثر به نوشتار یا گفتاری اطلاق می‌شود که در قیاس با شعر از نظم و ترتیبی که لازمه کلام منظوم است، یعنی از وزن و قافیه خالی باشد و با محور عروضی مطابقت نکند.

نثر، چون از قیود وزن و قافیه و محور عروضی، همچنین در اغلب موارد از تخیلات شاعرانه خالی است، وسعت میدان آن برای بیان هر گونه فکری مناسبتر از کلام منظوم است و شاید به همین دلیل باشد که انواع دانشهای بشری و اندیشه های فلسفی، دینی، سیاسی، تربیتی و اجتماعی در قالب نثر اظهار شده و به رشته تحریر در آمده است.

از لحاظ ادبی، نثری ارزشمند و مورد توجه سخن سنجان است که نسبت به سخنان یا نوشته های معمولی زیباتر و از جهت لفظ و معنی فصیح تر و بلیغ تر باشد. مانند نثر کتابهایی چون گلستان، کلیله و دمنه یا بعضی از نوشته های معاصران.

انواع نثر در زبان پارسی

با توجه به شیوه کاربرد واژگان و نوع ابزارهای بیانی که نویسندگان در نوشتن مطالب خود دارند، شاید دقیقتر این باشد که نثر فارسی را به اقسام زیر تقسیم کنیم:

- نثر مرسل یا ساده

نثری را گویند که سجع نداشته باشد و کلمات آن آزاد و خالی از قید خاص باشند. نوشته های معمولی و از جمله کتبی چون سفرنامه ناصر خسرو و کیمیای سعادت و تاریخ بیهقی و اسرارالتوحید و تذکره الاولیاء همه نثر مرسل اند. نثر مرسل یا ساده نوشته ای است که از صنایع

لفظی و معنوی و سجع عاری باشد. در این نوع از نثر، نویسندگان مقاصد خود را در کمال سادگی و بی پیرایگی می نویسد و از استعمال کلمات و عبارات هماهنگ و واژه ها و اصطلاحات مهجور اجتناب می کند. نمونه های فراوانی از نثر مرسل و ساده را در آثار دوره اول نثر فارسی (قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم)، همچنین در اغلب نوشته های نویسندگان معاصر می توان یافت.

- نثر مصنوع

که خود به دو نوع تقسیم می شود:

نثر مسجع نثری است که جمله ها و عباراتی قرینه در آن دارای سجع باشند. سجع در نثر به منزله قافیه در شعر است. سجع نیز خود به سه نوع تقسیم می شود، سجع متوازن، سجع مطرف و سجع متوازی. در این نوع از نثر، نویسندگان کلمات هموزنی را به نام سجع - نظیر قوافی اشعار - به کار می برد و جملات نوشته خویش را با قرینه سازی آهنگین می کند. نظیر عبارات ذیل از مقدمه کنزالسالکین خواجه عبدالله انصاری. "عقل گفت: گشاینده در فهمم، زداینده رنگ و وهمم، پا بسته تکلیفاتم، شایسته تشریفاتم، گلزار خردمندانم، افزار هنرمندانم..... عشق گفت: دیوانه جرعه ی ذوقم، بر آورنده شوقم، زلف محبت را شانه ام و زرع مودت را دانه ام" نمونه های زیبای نثر مسجع را در آثار خواجه عبدالله انصاری (۳۹۶ - ۴۸۱ هـ) و کتابهایی نظیر، تفسیر کشف الاسرار (سال تألیف ۵۲۰ هـ) ترجمه ابوالفضل میبدی، اسرار التوحید فی مقامات ابوسعید ابوالخیر، تألیف محمد بن منور (بین ۵۵۳ تا ۵۵۹ هـ) کلیله و دمنه بهرامشاهی، ترجمه و تحریر: ابوالمعالی نصرالله بن محمد عبدالحمیدمنشی، تذکره الاولیا فرید الدین عطار ن، گلستان شیخ مصلح الدین سعدی و غیره، می توان یافت. از میان کتابهای مزبور، گلستان سعدی از ویژگی خاصی برخوردار است زیرا در آن شیوه مختلطی از نثر مرسل با نثر موزون مسجع به کار رفته است و چون از لحاظ زیبایی و روانی و بلاغت در بیان ممتاز می باشد لذا پس از سعدی مورد تقلید عده ای از نویسندگان قرار می گیرد و آثار متعددی مشابه این کتاب نوشته می شود که مهمترین آنها بهارستان اثر عبدالرحمن جامی، روضه خلد (تألیف ۷۳۷) نوشته مجد خوافی و پریشان، تألیف میرزا حبیب الله متخلص به قآنی و منشآت قائم مقام است. نثر مرسل نثری است ساده و روشن با جملات کوتاه که از لغات مهجور عربی خالی است. در این نوع نثر از مترادفات استفاده نمی شود. توصیفات کلی و کوتاه است و بیشتر به امور بیرونی معطوف است. به نثر مرسل، نثر سبک خراسانی، نثر بلعمی و نثر دوره ی اول نیز می گویند.

نثر منشیان و دبیران عهد غزنوی است که در پایان دوره نثر مرسل و آغاز نثر فنی به فاصله ی نیم قرن ظاهر می شود. این نوع نثر هم سادگی و استواری نثر مرسل را دارد و هم نشانه هایی از

آمیختگی نظم و نثر و ورد لغات عربی و آیات و احادیث نثر فنی را به همراه دارد. تاریخ بیهقی، سیاست نامه ی نظام الملک، قابوس نامه ی عنصرالمعالی از این جمله اند. این نثر ترکیبی از دو نوع نثر مرسل و مسجع است که در آن لغات و ترکیبات و مثلها و روایات و آیات و اصطلاحات و تعبیرات زیادی نیز به کار رفته است. در نثر مصنوع، انواع صنایع لفظی و معنوی چون اطناب و سجع و جناس و تضاد و تقابل و تلمیح و استعاره و غیره به کار می‌رود. در این نوع از نثر همانگونه که از نام آن پیداست، نویسندگان با لفاظی عباراتی مصنوع می‌نویسد و علاوه بر استفاده از سجع و به کار بردن اشعار و شواهد عربی و پارسی و آیات قرآنی و احادیث و اصطلاحات علمی و لغات مهجور و استعارات و تشبیهات مختلف، کلام خود را به شیوه ای مصنوع با پیرایه ای و ظرایف ادبی و صنایع لفظی می‌آراید و البته مراد از این صنایع «تفننهایی است که در الفاظ و عبارات می‌شود و همین تنوعهاست که کلام را در واقع از صورت نثر بیرون می‌آورد و به جانب شعر که محل هنرنمایی گوینده است، متمایل می‌سازد. بنابراین اتخاذ چنین شیوه ای در نگارش از آن جهت که نویسندگان زحمت اظهار مهارت و بیان تخیلات شعری را به خود می‌دهد، قابل توجه است و از این جهت که نگارنده مطالب ساده خود را در لباس عبارات متکلف می‌پوشاند و به جای توجه به مقصود اصلی، به مقاصد فرعی می‌پردازد، کار او به منزله نقض غرض در امر نویسندگی و مانع ایراد آزادانه معانی تلقی می‌شود. بعلاوه در شیوه نثر متکلف یا فنی، نویسندگان ناگزیر است خود را به دامان زبان عربی بیفکنند، زیرا زبان پارسی تاب تحمل ایراد صنایع گوناگون خصوصاً استعمال سجع و جناس و ترصیع و مماثل و این گونه صنعت‌های لفظی را بیش از اندازه ندارد و به همین جهت مبالغه در این روش، باعث راه یافتن تعداد فراوانی از لغت‌های غیر لازم عربی به زبان پارسی است».

کتابهایی نظیر مقامات حمیدی تألیف قاضی حمیدالدین بلخی، مرزبان نامه ترجمه و تحریر سعدالدین وراوینی (اوائل قرن هفتم)، التوسل الی الترسل تألیف بهاءالدین محمد بغدادی (اواخر قرن ششم)، تاریخ وصاف نوشته شرف الدین عبدالله شیرازی ملقب به وصاف الخصره (قرن هشتم)، دره نادره تألیف میرزا مهدی خان استرآبادی (قرن دوازدهم) نمونه هایی اعلا از نثر متکلف یا فنی است. نثر فنی نثری است که می‌خواهد به شعر نزدیک شود و به این جهت هم از نظر زبان و هم از نظر فکر و هم از نظر ویژگی های ادبی نمی‌توان آن را نثر دانست بلکه نثری است شعروار که دارای زبان تصویری و سرشار از آرایه های ادبی است. آغازگر این سبک نصرالله منشی است. در این نوع نثر از آیات و احادیث و ضرب المثل های عربی زیاد استفاده می‌شود و توصیف بر خبر برتری دارد. شعر و نثر با هم آمیخته می‌شود. کلیله و دمنه نمونه ای از این نوع

نثر است. نثر مصنوع و متکلف نثری است که لبریز از تکلف و کاربرد آرایه های ادبی است به نحوی که گاه معنا تحت تاثیر لفظ قرار می گیرد. تاریخ جهان گشای جوینی، مقامات حمیدی و حبیب السیر خواندمیر نمونه هایی از این نوع نثر هستند.

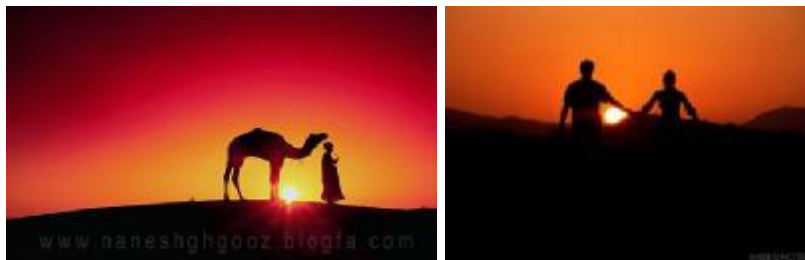
- نثر شکسته یا نگارش به شیوه زبان محاوره

نثر شکسته آن است که نوشتار به زبان محاوره و گفتگوی معمولی مردم کوچه و بازار نگاشته می شود و همچنان که کلمات در زبان محاوره عامه مردم مخفف می گردد و برخی از واژه ها در قیاس با صورت مکتوب آنها شکسته می شود در نگارش این نوع نثر که در دوره معاصر بیشتر در داستان نویسی یا نوشتن موضوعات طنزآمیز به کار می رود نویسنده برای نشان دادن چهره طبیعی و واقعی قهرمانان داستانهای خود که غالباً از میان طبقات عامی و عادی اجتماع انتخاب شوند، عین الفاظ، تعبیرات و تکیه کلامهایشان را به لهجه عامیانه در آثار خود می آورد. مبتکر این نوع از نثر در ادبیات معاصر مرحوم علامه علی اکبر دهخدا است که برای اولین بار در مقالات فکاهی و انتقادی خود با عنوان چرند و پرند و به امضای "دخو" در روزنامه صوراسرافیل از تعبیرات عامیانه و واژه های تخفیف یافته و شکسته سود می جوید. سید محمدعلی جمالزاده و صادق هدایت و جلال آل احمد نیز از جمله اولین نویسندگانی هستند که اسلوب محاوره و نثر شکسته را در نثر داستانی پارسی معاصر متداول می کنند و پس از آن گروهی دیگر از نویسندگان آثار خود را به نثر شکسته می نویسند.

دوره های نثر پارسی

- ۱- نثر مرسل (معادل سبک خراسانی) قرن سوم و چهارم و نیمه قرن پنجم
- ۲- نثر بینابین، اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم.
- ۳- نثر فنی، در قرن ششم.
- ۴- نثر مصنوع یا صنعتی و نثر ساده در قرن هفتم
- ۵- نثر صنعتی و نثر ساده در قرن هشتم
- ۶- نثر ساده در قرن نهم تا اوایل قرن دهم.
- ۷- نثر ساده معیوب، از قرن دهم تا میانه قرن دوازدهم.
- ۸- نثر قائم مقام و تجدید حیات این نثر ساده و خوب است.
- ۹- نثر مردمی (نثر روزنامه).
- ۱۰- نثر جدید (نثر رمان و نثر دیوانی و آموزشی).

سفرنامه



سفرنامه، نوعی گزارش است که نویسنده در قالب آن مشاهدات خود را از اوضاع شهرها یا سرزمینهایی که بدان مسافرت کرده است شرح می دهد و اطلاعاتی از بناهای تاریخی، مساجد، کتابخانه ها، بازارها، بزرگان، آداب و رسوم ملی و مذهبی مردم، موقعیت جغرافیایی، جمعیت، آب و هوا، زبان اهالی، مناطقی که بازدید نموده است در اختیار خواننده می گذارد. سفرنامه ها گنجینه ای از اطلاعات هستند که از طریق آنها گاه می توان به واقعیتهایی از وضع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی ادواری از تاریخ مردم یا منطقه ای پی برد که دست یابی به آنها از طریق کتب تاریخی میسر نیست. سفرنامه ها بسته به آن که مسافرت نویسنده از نوع سفرها و سیاحتهای معمول و گردش در آفاق و انفس باشد، یا سیری درونی و معنوی، به دو نوع ذیل تقسیم می شود:

سفرنامه های خیالی



این گونه از سفرنامه ها که اغلب به صورت قصه یا تمثیل بیان می شود، گزارشی از ذهنیات نویسنده است درباره امری باطنی و اعتقادی، نظیر آثاری چون کتاب اردا ویرافنامه، که موضوع آن سفر معنوی یا معراجی است که برای ارداویراف، مؤبد فرزانه زردشتی - معاصر اردشیر بابکان (۲۲۴-۲۴۱ م) پیش می آید و او ضمن این سیاحت روحانی، از جهنم و بهشت دیدار می کند و مشاهدات خود را بر اساس اعتقادات دین زردشت به رشته تحریر می کشد، مانند سیری که دانتیه ادیب نامور ایتالیایی (۱۲۶۵-۱۳۲ م) در اثر معروف خود کمدی الهی به دوزخ و برزخ و بهشت دارد. یا سفرنامه های منظومی چون منطق الطیر فریدالدین طارو مصباح الارواح شمس الدین

محمد بردسیری کرمانی (قرن ششم هجری) که اولی قصه رمزی است از سفر پر رنج عارف سالک و گذشتن او از هفت شهر عشق، و دومی شرح مشاهدات و منازل سیر و سلوک را به وی نشان می دهد. سیاحتنامه سه جلدی ابراهیم بیک، نوشته زین العابدین مراغه ای (۱۲۵۵-۱۳۲۸ ه، ق) که شرح سفر خیالی ابراهیم بیک فرزند یکی از تجار بزرگ آذربایجان مقیم مصر می باشد.

در این کتاب، ابراهیم بیک پس از مرگ پدر و به توصیه او همراه با له له اش یوسف عمو، به آرزوی زیارت مشهد مقدس، از بندر اسکندریه مصر به استامبول می رود و از راه باطوم، تفلیس، باکو، انزلی، ساری، مشهدسر، عشق آباد رهسپار مشهد می شود. او «در این خط سیر طولانی، آنچه را دیده و آنچه را به سرش آمده تفصیل می نگارد و به مناسبت همان واقعه و پیش آمد، اوضاع کلی مملکت را به باد انتقادی می گیرد و پس از پایان سرگذشت خود در هر شهر و محل، خلاصه ای زیر عنوان «این است اجمال سیاحت قزوین یا مراغه یا جاهای دیگر» از اوضاع و عادات و گرفتاریها و بدبختیهای آن جا ذکر می کند و تقریباً همه جا با این عبارت خاتمه می دهد که «مرده اند، ولی زنده وزنده اند ولی مرده... این سیاحتنامه درواقع دائره المعارف جامع در اواخر قرن سیزدهم هجری است که با قلمی تند و بی پروا و بی گذشت تحریر شده است.» ترجمه کتابهایی نظیر بیست هزار فرسنگ زیر دریا، دور دنیا در هشتاد روز، مسافرت به مرکز زمین، نوشته ژول ورن (Jules Verne) رمان نویس فرانسوی (۱۸۲۸-۱۹۰۵ م) از نوع سفرنامه های تخیلی علمی به شمار می رود.

سفرنامه های واقعی



محتوای این نوع از سفرنامه ها، شرح مسافرتهایی است که واقعاً عملی شده است و نویسندگان خاطرات خود و رخدادهایی را که در جریان سفر عیناً دیده و شنیده و با آنها مواجه شده اند، به رشته تحریر درآورده اند. نظیر سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی که شرح مسیر سفر دو هزار و دوصد فرسنگی است از بلخ تا مصر، که از راه مرو و نیشابور و سمنان و ری و قزوین و آذربایجان و

آسیای صغیر و شام و فلسطین و حجاز تا قاهره پایتخت مصر انجام می گیرد، همچنین مسیر برگشت اوست از این سفر که پس از آخرین زیارتش از خانه خدا در سال ۴۴۲ هجری از راه طائف و یمن و لحساء و بصره و اصفهان به بلخ مراجعت می کند و جمعاً مدت هفت سال (از ۴۳۷ تا ۴۴۴ هجری) طول می کشد.

در این اثر که ناصر خسرو آن را با انشایی روان و دل انگیز نگاشته است، اطلاعات دقیق و ارزشمندی را از اوضاع جغرافیایی و تاریخی و آداب و رسوم مردم شهرهای مسیر مسافرت خود به دست می دهد. ترجمه سفرنامه مارکوپولو جهانگرد ایتالیایی که با عنوان «عجایب» منتشر شده است، شامل شرح مسافرت او در قرن هفتم هجری، از راه آسیای صغیر به چین و گزارشی است از مشاهدات نویسنده در مسیر راه ابریشم از چین و ترکستان و مغولستان و قسمتی از جنوب شرقی آسیا. سفرنامه ابن بطوطه (۷۰۳-۷۷۰ ه) سیاح معروف مراکشی، از جمله سفرنامه های واقعی است که نویسنده از سفرهای طولانی خود در شمال آفریقا و سرزمینهای مصر، شام، عراق و سه بار سفر او به مکه و زیارت خانه خدا و دیگر مشاهداتش از بحرا حمر، یمن، آسیای صغیر، ماوراء النهر، افغانستان، هند بنگال و آسام تا چین و ...

اطلاعات با ارزشی را نگاشته است. از ویژگیهای این سفرنامه، بی پیرایگی و سادگی سبک نگارش در بیان وقایع می باشد. این بطوطه در سفرنامه خود: «چهره نگاری به کمال و صادق در تشریح اوضاع، وقایع و فرهنگ اجتماعی شهرها و کشورهای است که از آنها بازدید می کند و چون فطره به مسایل مذهبی علاقه ای خاص دارد، در هر شهر و کشوری که وارد می شود، ابتدا اماکنی را مورد بازدید قرار می دهد که متعلق به اولیاء و بزرگان دین است.» سفرنامه های واقعی در ارتباط با اهدافی که نویسندگان آنها از مسافرتهاى خویش داشته اند، نظیر: هدفهای تبلیغات مذهبی، سیر و سیاحت، مطالعات علمی، مأموریتهای سیاسی و غیره به انواع مختلفی تقسیم می شود.

زندگینامه



زندگینامه یا بیوگرافی که به آن شرح حال، حسب حال، سرگذشت، گزارش و ترجمه احوال، تذکره حال، نیز گفته اند شامل نوشته هایی است که در آنها رویدادهای زندگی شخصیت هایی از مشاهیر دین و دانش و بزرگان ادب و سیاست شرح داده شده است. کتابهایی نظیر سرگذشت پیامبران که برخی از آنان به نام قصص انبیاء شهرت دارد یا شرح وقایع زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که در فن تاریخ نویسی زبان تازی، سیره نام دارد.

نظیر: سیره ابن اسحق (ف: ۱۵۱ ه.ق) مولف کتاب مغازی که درباره غزوات حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نوشته شده است و سیره ابن هشام (ف: ۲۱۸ ه.ق) با شرح حال ائمه هدی -علیه السلام- و زندگینامه شهدا و کتب رجال که مشتمل بر ذکر احوال حکماء، علماء، مشایخ صوفیه است و یا ترجمه احوال شاعران که تذکره نام دارد، از نوع زندگینامه به شمار می رود. در عصر حاضر کتابها و مقالاتی در بزرگداشت شخصیت‌های مذهبی، ادبی، علمی و . . . نوشته می شود که مشتمل بر شرح احوال و سال شمار رخدادهای عمر این شخصیتهاست همراه با مجموعه مقالاتی که برخی از نویسندگان به یاد آنان در زمینه موضوعات گوناگون می نویسند. این گونه آثار که گاه با عنوان "یاد نامه" نظیر یادنامه علامه امینی، یادنامه استاد شهید مطهری، یادنامه سالگرد دکتر علی شریعتی، یادنامه علامه طباطبائی منتشر می شود و گاه با عناوینی که مرکب از نام شخصیت مورد نظر با کلمه "نامه" است مانن:

همائی نامه، آرامنامه و گهگاه به نامهای دیگر نظیر: فرخنده پیام (یادگار نامه استاد دکتر غلامحسین یوسفی) منتشر می شود، جزء زندگینامه ها به شمار می آید. یادنامه های مذکور از آنجا که معمولاً به قلم پژوهندگان و نویسندگانی فاضل به رشته تحریر در می آید، اغلب دارای نثری استوار و خواندنی است و از لحاظ ادبی قابل توجه می باشد.

در زمان ما ایروینگ استون نویسنده آمریکایی که در ۱۹۸۹ در گذشت در این زمینه به شهرت رسید. معروف ترین اثر او شور زندگی است که در باب زندگی ونسان وان گوگ نوشته است. آثار دیگری هم دارد از قبیل رنج و سرمستی در باب زندگی میکال آنژ و ملوان سوار کار درباره زندگی

جک لندن. زندگینامه فروید و چارلز داروین را هم نوشته است. رومن رولان هم در این زمینه معروف است. او زندگینامه بتهوون، میکل آنژ، تولستوی و گاندی را نوشته است. از قدیمی ترین نمونه های زندگینامه نویسی در غرب کتاب حیات مردان نامی اثر پلوتارک است که در قرن اول میلادی نوشته شده است. البته ممکن است کسی خود، زندگی نامه خود را بنویسد که به آن **Autobiography** گویند مثل "زندگی من" از احمد کسروی، از قدیمی ترین نمونه های اتوبیوگرافی، اتوبیوگرافی ابوعلی سینا است که آن را بر شاگردان خود املاء کرده است. یکی از فروع زندگی نامه نویسی، خاطره نویسی است، زیرا این دو معمولاً با هم در آمیخته اند. چنان که سیمون دو بووار و گوته خاطرات خود را نوشته اند. عارف قزوینی هم بخش هایی از زندگی و خاطرات خود را نگاشته است که در مقدمه دیوانش به طبع رسیده است. از برخی از نویسندگان هم یادداشت هایی به جا مانده که جنبه هنری و ادبی دارند. مثل یادداشتهای کافکا. سفرنامه نویسی هم از فروع زندگینامه نویسی است. زیرا بخشی از زندگی نویسنده را در بر می گیرد. تذکره نویسی را هم می توان از فروع زندگینامه نویسی محسوب داشت. زیرا در آنها از شرح حال و آثار شاعران یا عارفان سخن رفته است. از آنجا که خاطره نویسی و سفرنامه نویسی و زندگی نامه نویسی ادبی، با بیان احساسات و عواطف همراه است می توان آنها را جزو ادب غنایی محسوب داشت.

اتوبیوگرافی (Autobiographie)

اتوبیوگرافی به آثاری گفته می شود که شرح حال افراد و رخدادهای زندگی آنان ضمن تحلیل و توصیف جریانهای فکری، سیاسی و اجتماعی زمان ایشان، به قلم خود آن اشخاص نوشته می شود. در نگارش این گونه آثار «اگر نویسنده هوشمند و نکته بین و خوش قلم باشد، خاطراتی را به رشته تحریر خواهد کشید، که لطف و مزه ای خاص تواند داشت. بعلاوه گاه مطالبی را در بر دارد که در جای دیگر نمی توان یافت. حالت صمیمی و بی تکلفی نیز که ممکن است در آنها احساس شود. این نوع خاطرات، گاه با ادعاها و خودستاییها و اظهار نظرهای یک طرفه نویسنده همراه است. نویسندگان آنها به چیزهایی می پردازند که به جهتی مورد توجه یا علاقه و احیاناً مخالف سلیقه و نظرشان بوده است. اما چه بسا اطلاعات و نکته هایی هم در آنها مندرج است که از نظر مطالعات اجتماعی و نیز تاریخی فوایدی آشکار دارد. بعضی از این کتابها چنان مطبوع نوشته شده است که نظیر داستانی دلکش توجه خواننده را به خود جلب می کند و چون از اشخاص و حوادث واقعی سخن میگوید گاهی از برخی از داستانها زنده تر و گیراتر می شود.

حتی اگر نویسندگان خاطرات، از قریحه ادبی و هنری برخوردار باشد، بسا که اثر او به صورت یکی از انواع ادبی در می آید و ارزش خاص داشته باشد. نظیر خاطرات سن سیمون (۱۶۷۵-۱۷۵۵ م - simon- saint) نویسنده فرانسوی، حسب حال بنیامین فرانکلین (۱۷۰۶-۱۷۹۰ م - Franctin Benjamin) سیاستمدار آمریکایی، و شعر و حقیقت اثر گوته (۱۷۴۲-۱۸۳۲ Johann- Wolfgang Goethe) نویسنده و شاعر آلمانی و... این گونه آثار خود انوعی دارد. مثلاً ممکن است نویسنده بیشتر به ذکر وقایع و مشاهدات خود بپردازد، یا به شرح احوال و تجارب و عوالم خویش. و نیز بسته به این که وی از چه طبقه ای است و علاقه اش چیست، کیفیت و اهمیت این یادداشتها متفاوت خواهد بود. گاه خاطره نویس در نمایش حوادث حیات و حتی افکار و احوال درونی خویش صداقتی خاص به خرج می دهد و به عبارتی دیگر تصویری از خود عرضه می دارد، و اثر او جنبه ی اعتراف گونه ای دارد. مانند المنقذ من الضلال امام محمد غزالی و اعترافات سنت اگوستن (۳۵۴-۴۳۰ saint Augustin)، اعترافات ژان ژاک روسو (Jean Jaeques Rousseau ۱۷۷۸-۱۷۱۲) نویسنده و منتقد فرانسوی.

از کتاب «شرح زندگانی من» به قلم عبدالله مستوفی

«مکتب خانه: کم کم موقع درس خواندن من فرا می رسید، یک روز ساعت خوش کردند و مرا با یک کله قند نیم منی و یک توپ قدک برای آخوند، به مکتب فرستادند همین که چشم آخوند به من و بعد از آن به سینی محتوی قند و قدک افتاد، بعد از جواب سلام، چند کلمه ای راجع به هوش و شعور من و این که انشاء اله پسر کار کن معقولی خواهم شد و سنگین و رنگینی بار خواهم آمد، نظر داد و مرا پهلوی برادرم و نزدیک خود نشانید. عمه جزوی هم که برای من قبلاً تدارک کرده بودند. با یک چوب الف کاغذی حاضر بود. آخوند بلافاصله مرا پیش طلبید. عمه جزو را باز کرد و «هوافتاح العلیم» را با شعر بعدش:

پس مبارک بود چو فرهما ----- اول کارها به نام خدا

طوطی وار به من آموخت. من هم بدون آنکه اشکال را به آنچه می گویم تطبیق کنم، چوب الف را روی کلمات می گردانم و جمله ها عربی و شعر فارسی را تکرار می کردم. آن روز به همین قدر قناعت شد. فردا الفبا را به من آموختند.

حسب حال ننوشتی و شد ایامی چند ----- مهر می کو که فرستم به تو پیغامی چند "حافظ"
از نوشته های خواندنی و صمیمی هر زبان، خاطرات و یادداشت هایی است که گاه اشخاص در گزارش احوال خود می نویسند. این نوشته ها که سرشار از نکات و لطایف تاریخی، اجتماعی، سیاسی و ادبی است، "حسب حال" نامیده می شود و اگر به قلم نویسنده ای با ذوق و نکته بین

نگاشته شود، در ادبیات عصر خویش جایگاهی ویژه می یابد. برخی از این گونه کتاب ها آن چنان جذاب و شیوا نوشته شده اند که همچون داستانی دلکش و شیرین، خواننده را به خود می خوانند و چون بازگو کننده ی حوادث و وقایع عصر مولف هستند، از گیرایی و طراوتی دو چندان برخوردارند. اگر نویسنده ذوق و قریحه ی لازم را نیز داشته باشد، بسا که اثر او به صورت یکی از انواع ادبی در آید و در ادبیات عصر خویش جا باز کند. این گونه نوشته ها "حسب حال" نامیده می شوند و طبیعی است که به تناسب کیفیت و نوع زبان ارزش های متفاوتی خواهند داشت. گاه خاطره نویس، حوادث عصر خویش و حتی افکار و احوال درونی خویش را آن چنان با صمیمیت و صداقت به تصویر می کشد که اثر وی به اعتراف گونه ای ماندنی و با ارزش تبدیل می شود؛ مانند: «المنقذ من الضلال» از امام محمد غزالی. گروهی دیگر از نوشته ها که از منابع با ارزش تحقیق به حساب می آیند، زندگی نامه هستند. در قرون گذشته کمتر اتفاق می افتد که چهره های علمی، دینی و ادبی شرح حالی از خود برجا می گذارند؛ از این رو دسترسی به احوال و آثار و اندیشه های آنان دشوار بود و تنها منبع و مأخذ موجود، کتاب های شرح احوال و زندگی نامه ها بود که برخی از آنها دقت علمی کافی نداشتند. این گونه کتاب ها که درباره ی زندگی مشاهیر دین و دانش و ادب است.

انواع زندگینامه

زندگی نامه (بیوگرافی) خواننده می شود و بر حَسَب محتوا انواعی دارد:

- "سیره" و "مغازی" که گزارش زندگی و جنگ های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم است و از انواع مشهور آن می توان به سیره ی رسول الله از قاضی ابرقو و سیرت رسول الله از دکتر عباس زریاب خویی اشاره کرد.

- شرح حال انبیای الهی چون قصص الانبیای ابواسحاق

- شرح حال ائمه و بزرگان دین چون زندگانی علی بن الحسین علیه السلام از دکتر سید جعفر شهیدی و قصص العلمای تنکابنی.

- کتب تذکره که شرح و ترجمه ی احوال مشایخ صوفیه یا شعر است؛ چون تذکره الاولیای عطار، تذکره ی لباب الالباب محمد عوفی، تذکره الشعرا دولت شاه سمرقندی.

امروز زندگی نامه برخی از مشاهیر علم و ادب به شیوه ای نو نوشته می شود و برخی از آنها در شمار آثار ارزشمند ادبی هستند؛ مانند: پله پله تا ملاقات خدا (شرح حال مولانا)، پیر گنجه در جست و جوی ناکجا آباد (درباره ی نظامی) و فرار از مدرسه (شرح حال امام محمد غزالی) از

دکتر عبدالحسین زرین کوب، شرح احوال و آثار رودکی از سعید نفیسی، غزالی نامه (شرح حال
امام محمد غزالی) و ...

www.esalat.org